

نام و نسب، کنیه و لقب ابن سینا

دکتر جواد وهاب زاده

عضو هیات علمی دانشکده های پزشکی اردبیل

□ مقدمه

در آغاز شهریور ۳۵۹ در نزدیکی شهر بخارا، مرکز حکومت سامانیان، از پیوند خجسته ی «عبدالله» بلخی با «ستاره» بخارایی کودکی به دنیا آمد که او را «حسین» نامیدند. کودکی که از همان اوان زندگی خود چون ستاره یی بدرخشید و ماه مجلس علم، حکمت و خورشید عالم تاب جهان پزشکی شد و انوار خیره کننده ی شهرتش، القاب و عناوین زیادی را نصیب او نمود تا حدی که نام اصلی وی یعنی «حسین» در میان انبوه لقب ها و کنیه های او فراموش شد. کنیه هایی که ممکن است برای عده یی ابهام آمیز هم باشد. در این مقاله ابتدا برای رفع این ابهامات و اشتباهاتی که گاهی در بعضی نوشته ها دیده می شود، به نکاتی چند اشاره خواهد شد و سپس به بررسی اجمالی مقام و منزلت این اندیشمند بزرگ در پزشکی خواهیم پرداخت.

۱- نام اصلی ابن سینا و پدرش

بنا به دست خطی که از او در دست است، مسلماً نام وی «حسین» و نام پدرش «عبدالله» است. در این دست خط که در پشت نسخه ی ترجمه ی عربی یکی از کتاب های جالینوس موجود است، ابن سینا در سال ۴۰۷ قمری چنین یادداشت کرده است: «فی حوز الفقیر حسین بن عبدالله بن سینا المططب فی سنة سبع و اربع مائه». متأسفانه در صفحه ی ۳۲۶ کتاب اخلاق پزشکی به انضمام مختصری از تاریخ پزشکی از انتشارات معاونت امور فرهنگی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اسم پدر او «حسن» قید شده است. (بدین صورت «شیخ الرییس ابوعلی حسین بن حسن بن علی بن سینا») و این اشتباه فاحش از سوی نهادی که خود متولی آموزش پزشکی کشور است، تأمل انگیز است.

۲- کنیه های ابن سینا و نسب او

این حکیم نامی دارای دو کنیه ی «ابوعلی = بوعلی» و «ابن سینا» است. این کنیه ها ممکن است برای بعضی ها القاکننده ی این معنی باشد که او دارای فرزندی به نام «علی» بوده و خود نیز فرزند یا نواده یا نتیجه یا نبیره ی... شخصی به نام «سینا» است؛ در حالی که چنین

برداشتی از این کنیه ها به دلایل زیر نادرست می باشد:

الف- این فیلسوف بزرگ اصلاً ازدواج نکرده تا فرزندی هم به نام «علی» داشته باشد و در هیچ ماخذی هم اشاره یی به فرزند او نشده است و فقط به تنها برادر وی که چند سال از او کوچک تر بوده و «محمود» نام داشته است، اشاره شده و نام مادر او را هم «ستاره» قید کرده اند. برای رفع این ابهام و شبهه تذکر این نکته ضروری ست که داشتن کنیه یی با پیشوند «ابو، بو، ابی، ابا، با» الزماً به معنی پدر بودن و داشتن فرزندی با نام و مشخصات آمده در آن کنیه نیست، به طوری که در میان عرب ها داشتن چنین کنیه هایی رایج و معمول است که نمونه ی آن یاسر عرفات با کنیه ی ابوعمار است، بدون این که فرزندی به نام عمار داشته باشد. حال سوالی که پاسخ آن روشن نیست وجه انتخاب کنیه ی «ابوعلی» است، آیا این یک انتخاب ذوقی و تصادفی ست و یا دلیلی بر آن وجود دارد، ظاهراً معلوم نیست.

ب- در مورد کنیه ی «ابن سینا» که مشهورترین معرف این طبیب پُرآوازه به معنی پسر سینا «پورسینا» است، باید گفت که گرچه در فرهنگ های مختلف «سینا» را نام پدر، پدر بزرگ، جد دوم، جد سوم و... این دانشمند نوشته اند، اما واقعیت این است که هیچ یک از اجداد او نام «سینا» نداشته اند و به عقیده ی محقق و ریاضیدان معاصر آقای دکتر پرویز شهریار: «برخی فرهنگ ها چون در مانده اند تا چند پشت، این اندیشمند را اسم هایی گذاشته اند و پشت آخر را گفته اند «سینا» که هیچ معنایی ندارد» به نظر دکتر شهریار، سابقه ی اسمی «سینا» مربوط به صورت قدیمی تر آن «سئنه =» پزشک مشهوری در ایران باستان می باشد که حدود ۷۰۰ سال قبل از میلاد در هگمتانه (همدان امروزی) می زیسته و از چنان شهرتی در پزشکی برخوردار بوده که پس از مرگ، نام او تبدیل به اسطوره شده است. اسطوره یی که به شاهنامه ی فردوسی هم راه یافته و کلمه ی «سیمرغ» هم از همین اسم گرفته شده، پرنده ی اساطیری که نماد پزشک و حکیم چاره ساز است (در این مقوله به مقاله ی این جانب با عنوان «پزشک و پزشکی در شاهنامه ی حکیم طوس» در شماره ی ۲۹ ماهنامه ی حافظ رجوع شود). دکتر شهریار می گوید: «درست همان طوری که کسی را که در دریا کار می کند، نگرانده ی فرزند دریا می گویند... ابن سینا هم باید همین طور باشد». نگارنده ی

نیست:

حجت‌الحق، شرف‌الملک، امام‌الحکما!

هرچه خواهند، بخوانند و بنامند تو را

تو همان نادره دانای جهان، بوعلی‌سینایی

گوهری! در «صدف کون و مکان» یکتایی

۴- مقام ابن‌سینا در پزشکی

بدون شک ابن‌سینا یکی از برجسته‌ترین چهره‌های پزشکی نه تنها ایران، بلکه کل جهان است. او با کمال دقت آثار بقراط و بویژه جالینوس را مطالعه کرده و مورد مذاقه قرار داده و با کمال احترام بر عقاید و باورهای آن‌ها، ایرادهایی بر آنان گرفته و به‌واسطه‌ی هوش سرشار خود و با استقلال فکری خود آثار متعددی در طب (منثور و منظوم) که مهم‌ترین آن‌ها کتاب ارزشمند **قانون در طب** است، از خود به یادگار گذاشته است. برای پی‌بردن به منزلت و‌الای ابن‌سینا در پزشکی پس از یادآوری اهمیت کتاب فوق‌الذکر و بیان برخی از نوآوری‌های او در پزشکی، به اظهارنظر بعضی از بزرگان علمی جهان درباره‌ی وی خواهیم پرداخت.

الف- اهمیت کتاب قانون در طب

در اهمیت این کتاب که در غرب به نام Canon شهرت دارد، همین بس که تنها ۴۰ سال بعد از اختراع صنعت چاپ در اروپا، به زیر چاپ آراسته شده و حتی در روزگار ما نیز به علت جذابیتی که دارد، در سال ۱۹۶۰ در کراچی به زبان انگلیسی و در ۱۹۶۶ در تاشکند به زبان روسی چاپ شده است. این کتاب در چند سده از سده‌های میانی یکی از متون معتبر آموزش پزشکی در دانشکده‌های پزشکی اروپا و تا اواسط سده‌ی ۱۷ در مونپلیه‌ی فرانسه، لوون بلژیک و بولونیای ایتالیا تدریس می‌شد و این عقیده در غرب رایج بود که یک طبیب خود باید ابن‌سینایی Avicennit باشد.

۱۵ بار تجدید چاپ آن در فاصله‌ی کم‌تر از نیم‌قرن، ترجمه‌ی آن به زبان‌های عبری، لاتینی، ایتالیایی، انگلیسی، روسی، فارسی و... در شهرهای مختلف جهان از جمله ناپل، رم، ونیز، قاهره، کراچی، لاهور، لکنهو، تهران و... و نگارش ده‌ها شرح و حاشیه و تلخیص توسط پزشکان مختلف بر این کتاب همه حاکی از جایگاه والای آن می‌باشد.

ب- نوآوری‌های ابن‌سینا در پزشکی

۱- ابن‌سینا اولین طبیبی است که توصیه می‌نماید که نخستین نمونه‌ی ادرار بامدادی باید مورد آزمایش قرار گیرد و آزمایش کاملی از ادرار از نظر رنگ، هیات (قوام)، روشنی و تیرگی، ته‌نشین، اندازه، بو و کف انجام می‌دهد. از این روی بعضی‌ها او را بنیانگذار علوم آزمایشگاهی و نفرولوژی می‌دانند.

۲- برای نخستین بار به اثر پادتنی و پادزه‌ری خون سگ‌ها در درمان بیماری‌های پی برده است و از این جهت به‌عنوان پایه‌گذار علم ایمنی‌شناسی «ایمونولوژی» شناخته می‌شود.

این سطور در گذشته نیز به نظریه‌ی، عین عقیده‌ی دکتر شهریارى برخورد کرده بودم که در آن حتماً نام «سینوهه» پزشک مخصوص فرعون نیز برگرفته از نام «سئنه» بیان شده بود. این نظر دکتر شهریارى درباره‌ی وجه انتخاب کنیه‌ی «ابن‌سینا» منطقی و قابل قبول به‌نظر می‌آید و به احتمال زیاد این طبیب جامع‌الاطراف، آگاهی کافی از تاریخ گذشته‌ی ایران داشته است.

در این جا اشاره به این نکته هم لازم است که نام این پزشک بزرگ در منابع غربی یعنی «آویسنا = Avicenna» و «آویسن = Avicenne» و «آویکنا = Avikenna» نیز از همین کنیه‌ی «ابن‌سینا» برگرفته شده است و بنا به نوشته‌ی سعید نفیسی در ترجمه‌ی آثار ابن‌سینا به زبان عبری نام او «آون سینا» (به فتح الف و کسر واو) ضبط گردیده و بعدها مرجع ضبط نام‌های لاتینی و اروپایی این دانشمند شده است. با توجه به وجود سه کنیه‌ی «ابن‌سینا» و «ابوعلی» و «بوعلی» و شش فقره نام‌های دیگری که از ترکیب آن‌ها و یا بخشی از آن‌ها به‌دست آمده است، یعنی «ابوعلی‌سینا»، «ابوعلی ابن‌سینا»، «ابوعلی بن‌سینا»، «بوعلی سینا»، «بوعلی ابن‌سینا» و «بوعلی بن‌سینا» اگر قرار باشد، برای یکسان‌سازی فرهنگ‌ها و نمایه‌ها و به‌منظور تسهیل و تسریع در دسترسی به مطالب مربوط به این اندیشمند یکی از این نام‌های نه‌گانه را انتخاب کنیم (که ضرورت چنین انتخابی محسوس است) شاید گزینه‌ی «ابن‌سینا» که هم با ضبط لاتین هماهنگ و هم در عین حال انحصاری تو نیز می‌باشد، گزینه‌ی اصلح باشد.

۳- القاب و عناوین ابن‌سینا

در تعریف لقب گفته‌اند نامی که دلالت بر مدح یا ذمّ کند مثل «انوشیروان دادگر» و «اسکندر گجسته» گاهی القاب مدحی و اعتباری طی حکمی که به آن «لقب‌نامه» می‌گویند از طرف امرا و سلاطین اعطاء می‌شده است. ابن‌سینا به‌خاطر مقام و منزلت بسیار والای پزشکی، فلسفی، سیاسی، علمی و اجتماعی... خود، شاید بیش از هر شخصیت دیگری در تاریخ ما دارای القاب و عناوین متعدد می‌باشد که در زیر به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود:

شیخ‌الرئیس: این لقب به کسی اعطا می‌شده که علم و سیاست را در هم آمیخته و دارای دو جنبه‌ی علمی و سیاسی بود. «شیخ‌الرئیس» مشهورترین لقب ابن‌سینا است (بنا به فرهنگ فارسی معین در دو قرن اخیر دو نفر دیگر هم این لقب را داشته و به اصطلاح با ابن‌سینا «لقب تاش» بوده‌اند.)

القاب و عناوین دیگر ابن‌سینا به شرح زیر است:

حجّت‌الحق، حجت‌الحق علی‌الخلق، شرف‌الملک، الحکیم وزیر و الدستور، امام‌الحکما، حکیم شرق، حکیم کبیر، پرنس پزشکان، شهریار پزشکان، آقای پزشکان، استاد استادان، بقراط ثانی، بقراط ایران، جالینوس اسلام، ارسطوی اسلام، ارسطوی ثانی، اعجوبه‌ی دهر، فرید عصر، استاد البشر، خورشید بخارا، ابن‌سینای بخاری...

مطلع سروده‌ی از زنده‌یاد فریدون مشیری در این جا خالی از لطف

۳- نخستین پزشکی‌ست که توصیف درستی از عضلات چشم، عصب تری ژمو، عصب شنوایی و عصب صورتی داده و نشانه‌شناسی فلج فاسیال ارائه کرده است، لذا اخیراً در بعضی از کتاب‌های نورولوژی این فلج را «فلج ابن سینا» می‌نویسند.

۴- اولین طبیبی‌ست که اثرات سمی بخار جیوه بر گوش را بیان کرده است.

۵- از اولین «صرع‌شناسان» دنیای طب و طبابت است و ضمن اصلاح نظرات پزشکان اعصار گذشته، اطلاعات جدیدی درباره‌ی جنبه‌های مختلف بیماری صرع ارائه کرده است.

۶- به عقیده‌ی محققین روسی، اولین پزشکی‌ست که به بخیه‌ی اعصاب دست زده است.

۷- مراحل سه‌گانه‌ی سل ریوی، نخستین بار توسط او شرح داده شده است.

۸- اولین طبیبی‌ست که از «پایان‌نامه‌ی پزشکی» یاد می‌کند و در کتاب سوم قانون صریحاً می‌گوید: «دو نفر از محصلین طب رساله‌هایی در مورد درمان بیماری سل با شیر گاو نوشته‌اند».

۹- نخستین کسی‌ست که به طبقه‌بندی بیماری‌ها پرداخته است.

۱۰- نخستین پزشکی‌ست که به نقش عوامل روانشناختی در تکوین گروهی از بیماری‌های جسمی پی برده و از روش‌های روانشناسی بویژه اثرات تلقین در درمان بیماری‌ها سود جسته و در واقع او را می‌توان پدر طب سایکوسوماتیک و روانپزشکی دانست.

ج- اظهار نظر بزرگان درباره‌ی ابن سینا

در این قسمت با بسنده کردن به اظهار نظر تنها یک شخصیت ایرانی به چند اظهار نظر از شخصیت‌های مشهور غیر ایرانی خواهیم پرداخت، چرا که بنا به فرموده‌ی مولانا جلال‌الدین بلخی: بهتر آن باشد که سر دلبران گفته آید در حدیث دیگران

۱- دکتر علی اکبر خان نفیسی «ناظم‌الاطبا»، (پدر سعید نفیسی)، بنیانگذار و رئیس بیمارستان سینای تهران و مولف فرهنگ نفیسی: «علم طب معدوم بود، بقراط آن را ایجاد کرد؛ مرده بود، جالینوس احیایش کرد؛ متفرق بود، رازی جمع و جورش کرد؛ ناقص و نارسا بود، ابن سینا رسا و تکمیلش کرد».

۲- دانتیه‌ی ایتالیایی در **کمدی الهی**: «ابن سینا یکی از بزرگ‌ترین متفکران غیر مسیحی‌ست».

۳- ویلیام هاروی انگلیسی، بنیانگذار طب نوین و کاشف گردش خون در نامه‌ی به دوستش توصیه می‌کند: «به سرچشمه‌ی اصلی مراجعه کن و آثار ابن سینا را مطالعه کن».

۴- ویل دورانت امریکایی در کتاب **تاریخ تمدن**: «در مدرسه‌ی طب دانشگاه پاریس دو تصویر رنگی از دو طبیب مسلمان آویخته‌اند که یکی از آن‌ها رازی‌ست و دیگری از ابن سینا. ابوعلی حسین بن سینا بزرگ‌ترین فیلسوف و معروف‌ترین طبیب اسلام است».

۵- گرهارد فنتز مر آلمانی در کتاب **پنج هزار سال پزشکی**:

«ابن سینا موفق شده بود آن‌چه را که جالینوس نتوانست انجام دهد، به ثمر رساند و سبک صحیحی را در پزشکی ایجاد و برقرار کند».

۶- دکتر سیریل الکلود انگلیس در کتاب **تاریخ پزشکی ایران**: «وقتی کتاب قانون ابن سینا در عالم طب شناخته شده، یک‌باره همه‌ی کتاب‌های طبی گذشته را تحت الشعاع خود قرار داد».

۷- هنری زیگریست امریکایی فرانسوی‌الصل، رئیس موسسه‌ی تحقیق تاریخ پزشکی در دانشگاه جان هاپکینز در کتاب **پزشکان نامی**: «دانش پزشکی در دست ابن سینا تبدیل به بنایی متحد و هماهنگ و منطقی شد و صورت قواعد ریاضی پیدا کرد و کتاب او چنان‌که از اسمش برمی‌آید به واقع قانون و حتا مذهب دانش پزشکی‌ست».

۸- ریچارد تولنر آلمانی در کتاب **تاریخ مصور پزشکی جهان**: «قانون ابن سینا دارای ماهیت فرهنگ‌نامه‌ی‌ست و با دقت به فصل‌ها و بخش‌هایی تقسیم شده است. این اثر به سرعت مقام عمومی و جامع به‌دست آورد، به‌صورتی که یکی از مواد ثابت برنامه‌های آموزشی اغلب دانشکده‌های مغرب‌زمین تا قرن ۱۷ گردید».

۹- شارل سورینای فرانسوی در کتاب **تاریخ پزشکی**: «هیچ یک از علوم زمان بر ابن سینا بیگانه نبود».

۱۰- ادوارد براون انگلیسی طبیب و مستشرق مشهور در کتاب **تاریخ طب عرب**، «کتاب قانون ابن سینا در میان آثار طبی عالم اسلام دارای مقامی منحصر به فرد و ممتاز است. چنان‌که آثار رازی و اهوازی، با آن‌که واجد شرایط غیرقابل تردیدی هستند، در قبال این کتاب عملاً منسوخ شده‌اند». و سپس به نقل از **چهارمقاله‌ی نظامی** عروسی می‌نویسد: «اگر بقراط و جالینوس زنده شوند روا بود که پیش این کتاب سجده کنند».

در این جا اجازه می‌خواهم سه بیت آغازین غزل «حماسه‌ی ایران» اثر استاد شهریار حسن ختام این گفتار قرار گیرد.

سال‌ها مشعل ما پیشرو دنیا بود

چشم دنیا همه روشن ز چراغ ما بود

دُرُج دارو همه در حکم حکیم رازی

بُرُج حکمت همه با بوعلی سینا بود

قرن‌ها مکتب قانون و شفای سینا

به حکیمان جهان مشق خطی خوانا بود



منابع

- ۱- **اخلاق پزشکی**، به انضمام مختصری از تاریخ پزشکی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تهران، ۱۳۷۰.
- ۲- **پزشکان نامی**، هنری زیگریست، ترجمه‌ی کوکب صورتگر و حسن صفاری، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲.
- ۳- **پنج هزار سال پزشکی**، گرهارد فنتز، ترجمه‌ی سیاوش آگاه، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۶.
- ۴- **پورسینا**، سعید نفیسی، دانش، تهران، ۲۵۳۵.
- ۵- **تاریخ پزشکی ایران**، سیریل الکلود، ترجمه‌ی باقر فرقلی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱.

قانون ابن سینا

الهام رجایی

خود نظریات و روش های ارسطو، جالینوس را در هم آمیخته و گاهی هم در برابر هم قرار می دهد. و از آن جایی که نوشته های جالینوس و ترجمه های عربی آثار بقراط بنیادی ترین منابع دانش پزشکی اند و باید گفت که ابن سینا در **قانون** همه ی اطلاعات پزشکی یونانی و عربی را که تا دوران خودش وجود داشته است را بدان گونه که خود آگاهی داشته یک جا گردآوری کرده است و یکی از ویژگی های ابن سینا مشاهدات بالینی او درباره ی بیماری هاست. وی در این کتاب به بیماری های مختلفی می پردازد، از ناراحتی پوستی و ربوی گرفته تا اختلال های سلسله ی اعصاب و انواع دیوانگی.

البته پیش از تالیف این کتاب، دو اثر دیگر هم در رابطه با علم پزشکی تالیف شده است. یکی **الحاوی** نوشته ی محمد بن زکریای رازی و دیگری **کامل الصناعة الطبية** از علی بن عباس مجوسی که البته **قانون** از بقیه معتبرتر و با اهمیت تر بوده است و یکی از نشانه های این اهمیت، شروعی ست که در طی قرون مختلف بر این اثر نوشته شده است که از جمله مشهورترین آن ها **الموجز القانون** نوشته ی علاءالدین علی بن ابی الحزم قرشی معروف به ابن نفیس است.

در پایان باید افزود که **قانون**، نخستین کتابی ست که به لاتین ترجمه شده است، متن کامل آن در سال ۱۱۸۷ از سوی گرااردوس کرمونایی به فرمان اسقف اعظم تولو (طلیطله) به لاتینی ترجمه شده و متن عربی آن هم برای بار نخست در سال ۱۵۹۲م منتشر شد و شهرت و اعتبار این اثر به حدی بود که در بسیاری از دانشگاه های جهان به صورت یک متن رسمی درسی درآمده است. دانشگاه های بلونا، مون پلیه، لووین و پاریس که همگی در سده های دوازدهم و سیزدهم میلادی تاسیس شده بودند، **قانون** را به عنوان یک مرجع معتبر پذیرفتند.

منابع

- ۱- تاریخ علم در ایران، نوشته ی دکتر مهدی فرشاد، ج ۲.
- ۲- جشن نامه ی ابن سینا، ج ۲.
- ۳- دایرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ج ۴.
- ۴- مقدمه یی بر تاریخ علم، جرج سارتن، ترجمه ی غلامحسین صدری افشار.

از ابن سینا آثار متعددی در زمینه های مختلف در دست است. از جمله چندین نوشته در زمینه ی علوم پزشکی یکی **الارجوزة فی الطب** که در قالب شعر بوده و شامل هزار و سیصد و بیست و شش بیت است و خلاصه ی کتاب **قانون** بوده و دیگری **مقالة فی احکام الادویة القلییة** که این رساله مربوط به بیماری های قلبی و تاثیر هیجانات عاطفی بر فعالیت های قلب انسان است. اما در کنار این آثار که همگی در رابطه با علم پزشکی ست، کتاب **قانون** ابن سینا از بقیه شهرت و اعتبار بیش تری دارد. «پزشکی دانشی ست که به وسیله ی آن احوال بدن انسان از لحاظ آنچه سبب تندرستی یا از میان رفتن تندرستی ست، شناخته می شود. به منظور نگه داشت تندرستی موجود و بازگرداندن آن در صورت زوال».

کتاب **قانون** شامل پنج کتاب است که در کتاب اول کلیات علم و فن طب در کتاب دوم داروهای ساده، در کتاب سوم داروهای مرکب، در کتاب چهارم امراض ویژه ی اعضای بدن و در کتاب پنجم بیماری های مرتبط با کل بدن آورده شده است. نظامی عروضی در رابطه با **قانون** این طور می گوید:

پس از کتب بسائط به دست آرد، چون سته ی عشر جالینوس یا **الحاوی** محمد بن زکریا رازی یا **کامل صناعة** یا **صد باب** بوسهل مسیحی یا **قانون** بوعلی سینا یا **ذخیره ی خوارزم شاه**ی و به وقت فراغت مطالعه همی کند و اگر خواهد که از این همه مستغنی باشد به **قانون** کفایت کند. سید کونین و پیشوای ثقلین می فرماید: «کل الصيد فی جوف الفرا» همه ی شکارها در شکم گورخر است. این همه که گفتیم در **قانون** ابن سینا یافته شود با بسیاری از زوائد و هر که را که مجلد اول از **قانون** معلوم باشد از احوال علم طب و کلیات او هیچ بر او پوشیده نماند. زیرا که اگر بقراط و جالینوس هم زنده شوند روا بود که پیش این کتاب سجده کنند».

باید اشاره کرد که زیربنای فلسفی طب، بوعلی سینا از نظریه ی اخلاط و مزاج های چهارگانه ی بقراطی و جالینوسی و آریایی و اصل تشابه فهجمن و کهجمن تشکیل می دهد. و ابن سینا در این اثر

- ۶- تاریخ پزشکی و درمان جهان، محمدتقی سرمدی، انتشارات سرمدی، تهران، ۱۳۷۷.
- ۷- تاریخ طب اسلامی، ادوارد براون، ترجمه ی مسعود رجب نیا، ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۷۷.
- ۸- تاریخ طب در ایران پس از اسلام، محمود نجم آبادی، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۳.
- ۹- تاریخ طب و طبابت در ایران، محسن روستایی، سازمان اسناد و کتابخانه ی ملی، تهران، ۱۳۸۲.
- ۱۰- تاریخ مصور پزشکی جهان، ریچارد تولنر، ترجمه ی ولی الله محرابی، دایرة المعارف پزشکی، تهران، ۱۳۸۳.
- ۱۱- چهارمقاله، نظامی سمرقندی، به کوشش محمد قزوینی، ارمغان، تهران، ۱۳۳۱.
- ۱۲- خلاصه ی مقالات کنگره ی بین المللی تاریخ پزشکی، تهران، ۱۳۷۱.
- ۱۳- دایرة المعارف بزرگ اسلامی، کاظم موسوی بجنوردی، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۰.
- ۱۴- دایرة المعارف فارسی، غلامحسین مصاحب، انتشارات فرانکلین، تهران، ۱۳۴۵.
- ۱۵- زندگی نامه ی علمی دانشوران، احمد بیرشک، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۷.
- ۱۶- فرهنگ فارسی معین، محمد معین، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴.
- ۱۷- کلیات اشعار فریدون مشیری، فریدون مشیری، نشر سرچشمه، تهران، ۱۳۸۰.
- ۱۸- کلیات دیوان شهریار، سید محمدحسین شهریار، انتشارات زرین، تهران، ۱۳۶۹.
- ۱۹- لغت نامه ی دهخدا، موسسه ی لغت نامه ی دهخدا، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷.
- ۲۰- نخستین همایش ملی ایران شناسی، محسن تهرانی زاده، انتشارات دایره ی سبز، تهران، ۱۳۸۱.
- ۲۱- نشریه ی حمایت، آرزو رسولی، گفت وگو با دکتر پرویز شهریاری، تهران، ۱۳۸۴.
- ۲۲- یادداشت های دکتر قاسم غنی، به کوشش سیروس غنی، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۶۷.